



اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر استرس والدگری مادران و پذیرش والدینی کودکان تیزهوش پرخاشگر

گروه روانشناسی و آموزش افراد با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان، ایران
گروه روانشناسی و آموزش افراد با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان، ایران
گروه روانشناسی و آموزش افراد با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان، ایران

سارا نجاتی فر^{id}

علی آقازارتی*^{id}

احمد عابدی^{id}

ali_ziarati99@yahoo.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸

دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰
<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۱ | پیاپی ۱۰ | ۲۰-۱
بهار ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(نجاتی فر، آقازارتی و عابدی، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

نجاتی فر، سارا، آقازارتی، علی، و عابدی، احمد. (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر استرس والدگری مادران و پذیرش والدینی کودکان تیزهوش پرخاشگر. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۱ پیاپی ۱۰): ۲۰-۱.

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر تعیین اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر استرس والدگری مادران و پذیرش والدینی کودکان تیزهوش پرخاشگر بود. **روش پژوهش:** روش پژوهش حاضر شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کودکان پسر تیزهوش پرخاشگر ۸-۱۲ سال در شهر تهران در سال ۱۴۰۰ بود که ۳۰ کودک با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند انتخاب شدند و مادران آن‌ها در گروه‌های آزمایش (۱۵ نفر) و گواه (۱۵ نفر) جایگزین شدند. گروه آزمایش، مداخله تحلیل رفتار متقابل را طی ۸ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای دریافت کردند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استرس والدگری (آبیدین ۱۹۹۰) و پرسشنامه طرد-پذیرش والدین (رونر ۲۰۰۷) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از واریانس اندازه‌های تکراری تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که مداخله تحلیل رفتار متقابل در کاهش استرس والدگری مادران و افزایش پذیرش والدینی کودکان تیزهوش پرخاشگر تأثیر داشته است. همچنین نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که میزان تأثیر آموزش تحلیل رفتار متقابل بر استرس والدگری ($F=10/33$) و پذیرش والدینی ($F=34/50$) معنادار بوده است ($P<0/05$). **نتیجه‌گیری:** براساس یافته‌های حاصل از این پژوهش می‌توان گفت آموزش تحلیل رفتار متقابل از طریق شناخت ارزش‌های وجودی و بهبود ارتباطات بین‌فردی منجر به کاهش استرس والدگری و افزایش پذیرش والدینی کودکان تیزهوش پرخاشگر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تحلیل رفتار متقابل، استرس والدگری، پذیرش والدینی، کودکان تیزهوش پرخاشگر

مقدمه

یکی از اختلال‌های روان‌شناختی شایع در کودکان، پرخاشگری^۱ است که به صورت رفتارهایی عمدی با هدف آسیب‌رسانی جسمی و روانی به دیگران تعریف شده است (قوسوب، چیرو، اکیل و قزردین، ۲۰۲۱). پرخاشگری حالت منفی ذهنی همراه با نارسایی‌ها و انحرافات شناختی و رفتارهای سازش‌نا یافته به شمار می‌رود که می‌تواند به فرآیندهای هیجانی، تحصیلی و ارتباطی کودکان آسیب جدی وارد کند (دوه، شین، کیم، هونگ، چوی و کیم، ۲۰۱۲). رفتارهای پرخاشگرانه را می‌توان به دو دسته پرخاشگری وسیله‌ای که به صورت آرام و در شکل پیشرفته خود، برنامه‌ریزی شده انجام می‌شود؛ و پرخاشگری خشمگینانه که به صورت تند، تکانه‌ای و فوری بروز می‌کند و هدف اصلی آن ایجاد درد در دیگران است، تقسیم نمود (موگان، کریستینسن، جنسون، المپیا و کلارک، ۲۰۰۵)

کودکان تیزهوش^۲ معمولاً از عملکرد بالایی در فعالیت‌های خلاقانه، هوشی و تحصیلی برخوردارند و به دلیل برخوردارگی از توانمندی‌های بالا نسبت به همسالان بهنجار خود، نیازهای متفاوتی نیز دارند؛ اما از آنجایی که سیستم آموزشی و بالاختص مدارس و برخی از والدین نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای آن‌ها باشند و بستر مناسب برای تأمین نیازهای کودک را فراهم کنند، به سمت رفتارهای پرخاشگرانه گرایش پیدا می‌کنند (پیرس، پوتالز و کاستنازو، ۲۰۱۹). افراد پرخاشگر معمولاً توان مهار خود را ندارند و معیارها و ارزش‌های جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند را رعایت نمی‌کنند (اه و وان، ۲۰۱۹).

یکی از مسائلی که اکثریت والدین کودکان با نیازهای خاص^۳ در فرآیند فرزندپروری آن را تجربه می‌کنند، استرس والدگری^۴ می‌باشد که در مادران کودکان تیزهوش نیز باید به آن توجه ویژه‌ای شود (پاپادوپولوس، ۲۰۲۱). وجود کمال‌گرایی^۵ در برخی از والدین کودکان تیزهوش به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی، سبک فرزندپروری آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کارمو، اولیویرا، براس و فایسکا، ۲۰۲۱) و این امر با وجود مشکلات رفتاری و پرخاشگری در یک کودک تیزهوش و سرآمد، استرس والدگری را تشدید می‌نماید (پاپادوپولوس، ۲۰۲۱). استرس والدگری در نتیجه ناهمخوانی ادراک شده بین تقاضای والدینی و منابع فردی حاصل می‌شود و چنین استرسی می‌تواند در چندین حیطه زندگی که با والدگری مرتبط است، تجربه شود (هارپر، تیلوردایچ، هارپر، اولسن روپر و ساوت، ۲۰۱۳). به‌طور کلی استرس والدگری به شرایط یا موقعیت‌هایی اشاره دارد که در آن والدین با خواسته‌ها و ملزوماتی محیطی روبه‌رو می‌شوند که فراتر از منابع اجتماعی و شخصی است که در اختیار دارند (دی‌استاسیو، کولتی، بولدیرینی، بیویلاکوا، دوتا و جنتیله، ۲۰۱۸). از آن-جایی که کودکان تیزهوش نیازها و ویژگی‌های عاطفی، روانی و اجتماعی متفاوتی با همسالان بهنجار خود دارند، استرس خاصی را بر والدین، به‌ویژه مادر، تحمیل می‌کنند. سطوح بالای استرس والدگری در تعامل والد-کودک مشکل ایجاد می‌کند و به مهارت‌های والدگری والدین آسیب می‌رساند. افزون بر این، استرس بالای والدین کارکردهای روانی آن‌ها را مشکل می‌کند، اختلال‌هایی مانند اضطراب، افسردگی و پرخاشگری

1. Aggression
2. Gifted child
3. Children with special needs
4. Parenting Stress
5. Perfectionism

ایجاد می‌کند و اسنادهای منفی را افزایش می‌دهد که سرانجام به تفسیر منفی از رفتار کودک، افزایش تنبیه و ایجاد مشکل در تعامل‌های خانواده منجر می‌شود (هینترمای، ۲۰۱۹). استرس والدگری، موجب توجه والدین به رفتارهای منفی و تقویت رفتارهای پرخاشگرانه می‌گردد و به‌طور ناخواسته رفتارهای مخل را در کودکان افزایش می‌دهد (گلفنشتاین، هانلون، دیتریک و مدوف کوپر، ۲۰۱۷).

از سوی دیگر پژوهش‌ها نشان داده‌اند که پذیرش والدینی^۱ یکی از عوامل تأثیرگذار بر کاهش رفتارهای مخل کودکان است (موزس، ۲۰۱۲). این پذیرش در فرآیند تربیت و تعامل والد-کودک صورت می‌گیرد. به‌طور کلی فرآیند تربیتی خانواده و نحوه ارتباطی که والدین در قالب آن با کودکان خویش ارتباط برقرار می‌کنند، رشد عاطفی و اجتماعی کودک می‌باشد. روابط درون خانواده علاوه بر اهمیتی که در تحول روانی-اجتماعی کودکان دارد، در پیشگیری از مشکلات رفتاری کودکان نیز نقش بسزایی ایفا می‌کند (ایلدیز و آیهان، ۲۰۲۰). کودکانی که در محیط خانواده، مورد پذیرش قرار می‌گیرند از این حقیقت آگاهی می‌یابند که مورد عشق و علاقه هستند، از ارزش دوست داشته شدن برخوردارند، از سطوح بالای اعتماد به نفس برخوردار می‌باشند و روابط اجتماعی سالمی را پایه‌گذاری می‌کنند (گولای و اندر، ۲۰۱۱). پذیرش والدینی به عنوان حساسیت والدین نسبت به نیازها و خواسته‌ها، توجه به علائق کودک و عشق بدون قیدوشرط والدین به کودک بدون در نظر گرفتن ظاهر کودک و یا توانایی‌ها و رفتار او است (هیپل، ۲۰۰۱). کسب درک و پذیرشی مناسب از رفتار کودکان می‌تواند پیش‌بینی‌کننده همدلی والدین با کودک و ادراک درست آن‌ها از مشکلات رفتاری کودکان باشد. افزایش پذیرش والدینی و درک کودک از مورد پذیرش بودن رابطه با والدین می‌تواند تأثیر بسزایی بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان داشته باشد (مصطفوی، شعیری، اصغری مقدم و محمودی قرایی، ۱۳۹۱).

یکی از مؤثرترین تکنیک‌ها که به تحلیل رفتار فرد با دیگری می‌پردازد و می‌تواند نگرش افراد را تغییر دهد، تحلیل رفتار متقابل^۲ است. تحلیل رفتار متقابل (TA) نظریه روان‌شناسی ارتباطات است که توسط اریک برن در سال ۱۹۵۰ ارائه گردید و به لحاظ کاربرد آن در حل مشکلات هیجانی و رفتاری، مورد قبول جامعه روان‌شناسی قرار گرفته است (صارمی، یزدخواستی و عریضی سامانی، ۱۳۹۶). مشاوره تحلیل رفتار متقابل یک رابطه کمک‌کننده است که در آن درمانگر واجد شرایط، با استفاده از روش‌های تحلیل رفتار متقابل، آگاهی «بالغ» را از چشم‌انداز حل مسئله در مراجع افزایش می‌دهد. روش تحلیل رفتار متقابل برای ایجاد تغییر از طریق شیوه‌های مناسب مبتنی بر این‌جا و اکنون به کار گرفته می‌شود و هدف آن افزایش آگاهی شناختی و هیجانی مراجع نسبت به حوزه خاص آسیب‌دیده (مشکلات در روابط و تنظیم هیجانی) است (پروین، عرفان احمد و حسین، ۲۰۱۹).

تحلیل رفتار متقابل به روابط و مشکلات درونی شخص و رابطه انسان‌ها با یکدیگر توجه خاصی دارد و اعتقاد بر این است که اگر افراد با یکدیگر روابط سالم، صمیمانه و صادقانه داشته باشند و آن را جایگزین روابط مخرب، منفی و تحقیرآمیز نمایند، قادر خواهند بود که از فشارهای روانی خود و دیگران بکاهند و از زندگی لذت بیشتری ببرند (خدابخشی، فتح‌اله‌زاده، دربانی و رستمی، ۱۳۹۵). تحلیل رفتار متقابل در عین سادگی این توانایی را دارد تا افکار و احساسات پیچیده، سردرگم و پریشان شخص را سامان بخشد تا فرد با تفکیک

1. Parental Acceptance

2. Transactional Analysis (TA)

و سازمان‌دهی افکار و احساسات، شناخت بهتری از خود به‌دست آورد و در نتیجه با آگاهی بیشتر به نقاط قوت و ضعف خود، رفتارهای سالم و سازنده‌ای را اختیار نمایند، انسان را توانمند می‌سازد که در بحران‌ها خود قادر به تجزیه و تحلیل مشکل و حل آن باشد (کازمی، نشاط‌دوست، کجباف، عابدی، آقامحمدی و صادقی، ۱۳۹۱). بر این اساس، انتظار می‌رود آموزش تحلیل رفتار متقابل با آموزش و راهکارهایی که در زمینه همدلی متقابل و بیان احساسات در فضایی همراه با پذیرش خود و طرف مقابل، کنترل هیجانات منفی، حل مسئله، خوش‌بینی و برقراری روابط مکمل ارائه می‌دهد، بر استرس والدگری و پذیرش والدینی تأثیر مثبتی داشته باشد.

در پژوهش‌های بسیاری اثربخشی مداخله تحلیل رفتار متقابل مورد بررسی قرار گرفته است. برای مثال، فرهنگی و آقامحمدیان شعرباف (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان تأثیر روان‌درمانی گروهی با رویکرد تحلیل رفتار متقابل بر شیوه‌های رویارویی با استرس نوجوانان، به این نتیجه رسیدند که به احتمال ۹۵٪، روش مذکور بر شیوه‌های رویارویی نوجوانان مؤثر بوده و موجب کاهش هیجان‌مداری و افزایش مسئله‌مداری در شیوه‌های رویارویی می‌شود. مؤمنی (۱۳۸۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که آموزش گروهی مادران به روش تحلیل رفتار متقابل اثربخشی مثبتی بر بهبود رابطه والد-فرزندی (به ویژه در بعد عاطفه مثبت) داشته است. در مطالعه جوادی (۱۳۸۶) بر روی مادران دانش‌آموزان دختر منطقه ۲ تهران مشخص شد آموزش تحلیل رفتار متقابل بر بهبود عملکرد خانواده و مؤلفه‌های آن مؤثر است. سخاوت و عطاری (۱۳۹۰) نیز اثربخشی تحلیل رفتار متقابل را در بهبود روابط مادر-فرزندی مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفتند آموزش تحلیل رفتار متقابل موجب بهبود رابطه والد-فرزندی می‌شود. در پژوهش اکبری، پورشرفی، عظیمی، فهیمی و امیری پیچاکلابی (۱۳۹۱) گزارش شد که گروه‌درمانی به شیوه تحلیل رفتار متقابل سبب افزایش رضایتمندی، سازگاری، احساسات مثبت، صمیمیت و کاهش افسردگی و اضطراب زوج‌های دارای تجربه طلاق عاطفی می‌شود. همچنین نتایج پژوهشی نشان داد که گروه‌درمانی به شیوه تحلیل رفتار متقابل سبب افزایش الگوهای ارتباطی سازنده زوجین می‌گردد (صدیقی، مکوند حسینی و قنبری هاشم‌آبادی، ۱۳۹۵)؛ چن (۲۰۰۲) پژوهشی با عنوان اثربخشی گروهی تحلیل رفتار متقابل بر روابط والد-کودک و سبک فرزندپروری مادران دانش‌آموزان ابتدایی انجام داد. یافته‌های این پژوهش نشان داد والدین یاد گرفتند به شخصیت فرزندان خود احترام بگذارند و به صداها، درونی خود با روش‌های بالغانه گوش دهند. همچنین در سبک فرزندپروری والدین تغییراتی حاصل شد و توانستند با فرزندان رابطه بالغ-بالغ برقرار کنند. رینالدی و هاوو (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خود نشان دادند که آموزش و آگاه‌سازی والدین با این رویکرد به آن‌ها کمک می‌کند تا ارتباط سطح بالای مشکلات رفتاری فرزندان در روابطشان با سبک‌های ناکارآمد والدینی را درک کنند. سیوکور (۲۰۱۲) در بررسی اثر تحلیل رفتار متقابل بر روی توانایی روان‌شناسان به این نتیجه رسید که تحلیل رفتار متقابل موجب بهبود سطح رضایت از خود، جامعه‌پذیری، همدلی، کنترل هیجانی، تاب‌آوری، پذیرش و درست‌اندیشی در آن‌ها می‌شود. ویدسون (۲۰۱۴) در بررسی اثربخشی تحلیل رفتار متقابل بر روی افرادی که هم‌زمان مبتلا به اضطراب و افسردگی هستند، نشان داد که تحلیل رفتار متقابل می‌تواند نتایج درمانی اثربخشی داشته باشد. ترکمن، فرخزادیان، میری و پورابولی (۲۰۲۰) با بررسی اثر تحلیل رفتار متقابل بر عزت‌نفس ۷۶ زن زندانی، گزارش نمودند که آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل به طور معناداری سبب

افزایش عزت‌نفس آن‌ها گردید. نتایج پژوهش سوندا (۲۰۱۸) نشان داد که آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل به طور معناداری در افزایش عزت‌نفس و خودکارآمدی دانش‌آموزان دبیرستانی مؤثر بود. بر این اساس، با توجه به احتمال روند رو به افزایش پرخاشگری در کودکان تیزهوش به عنوان سرمایه‌های اجتماعی کشور و همچنین تأثیری که استرس والدگری و پذیرش والدینی می‌تواند بر گرایش کودکان تیزهوش به پرخاشگری داشته باشد، ارائه راهکارهایی در جهت بهبود این مسائل ضروری به نظر می‌رسد که در این زمینه با توجه به مبانی نظری و پژوهشی ارائه شده، به نظر می‌رسد که اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر کاهش استرس والدگری مادران و پذیرش والدینی به وسیله کودکان می‌تواند قابل توجه باشد. علی‌رغم انجام پژوهش‌های متعدد در خصوص اثربخشی مداخله تحلیل رفتار متقابل بر حوزه‌های مختلف و به‌خصوص تعاملات والد-کودک، پژوهشگران در بررسی انتقادی پیشینه پژوهش به این نتیجه رسیدند که اثربخشی تحلیل رفتار متقابل بر استرس والدگری مادران و پذیرش والدینی کودکان تیزهوش پرخاشگر مورد بررسی قرار نگرفته است؛ بنابراین با توجه به خلاءهای پژوهشی در زمینه مسائل مربوط به کودکان تیزهوش و والدین آن‌ها، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر استرس والدگری مادران و پذیرش والدینی کودکان تیزهوش پرخاشگر انجام و به سئوالات زیر پاسخ داده شد:

۱. آیا تحلیل رفتار متقابل بر استرس والدگری مادران و پذیرش والدینی کودکان تیزهوش پرخاشگر در مرحله پس‌آزمون مؤثر بود؟
۲. آیا تحلیل رفتار متقابل بر استرس والدگری مادران و پذیرش والدینی کودکان تیزهوش پرخاشگر در مرحله پیگیری پایدار بود؟

روش پژوهش

طرح پژوهش، شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانش‌آموزان پسر ۸-۱۲ سال در مدارس ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بود. در مرحله اول، از ۳۵۰ کودک، تست هوش و کسلر در جهت تعیین بهره‌هوشی (بهره‌هوشی بالاتر از ۱۳۰) و پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (۱۹۹۲) (کسب نمره بالاتر از ۷۸) که توسط مادران آن‌ها تکمیل شد، گرفته شد. سپس ۳۰ کودک با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند انتخاب شدند و با مادران آن‌ها جهت شرکت در مداخله صحبت شد و به صورت گمارش تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گواه (۱۵ نفر) قرار گرفتند. ملاک‌های ورود، مادران دارای فرزند ۸ تا ۱۲ سال و مدرک تحصیلی حداقل دیپلم بود و ملاک‌های خروج، وجود اختلال‌های روان‌شناختی در مادر و داشتن تعارضات شدید با همسر بود. پس از انتخاب گروه‌ها، پرسشنامه‌های استرس والدگری و پذیرش والدینی به عنوان پیش‌آزمون به وسیله مادران تکمیل شد. پس از انجام پیش‌آزمون، گروه آزمایش، هشت جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای برنامه آموزش تحلیل رفتار متقابل، به صورت هفته‌ای دو جلسه دریافت کردند و اعضای گروه گواه هیچ آموزشی دریافت نکردند.

ابزار پژوهش

۱. شاخص استرس والدگری - فرم کوتاه^۱. این ابزار شامل یک نسخه کوتاه ۳۶ سؤالی از شاخص استرس والدگری (PSI) بود که آبیدين (۱۹۹۰) تهیه کرده است. سه زیرمقیاس آشفته‌گی والدین، تعاملات ناکارآمد والد-کودک و ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین در PSI-SF وجود دارد. زیرمقیاس آشفته‌گی والدین (سؤال یک تا دوازده)، احساس تنش والدین درباره فرزندپروری را بر حسب استرس‌های شخصی دیگر اندازه می‌گیرد. زیرمقیاس ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین (سؤال ۲۵ تا ۳۶) نشانگر رفتارهای کودکان است که سبب آسان‌تر شدن یا مشکل‌تر شدن فرزندپروری می‌شود. در نهایت، زیرمقیاس تعاملات ناکارآمد والد-کودک به انتظارات والدین از کودکان می‌پردازد که رفتار کودک تا چه حد رفتار فرزندپروری را تقویت می‌کند (فدایی، دهقانی، طهماسیان و فرهادی، ۱۳۸۹). نحوه پاسخ‌گویی به سؤال‌ها به این صورت است که آزمودنی باید از میان گزینه‌های مربوط به هر سؤال، گزینه‌ای که بیشتر در مورد او صدق می‌کند را در یک مقیاس پنج درجه‌ای از (۱) کاملاً مخالفم تا (۵) کاملاً موافقم علامت بزند. مطالعه ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس توسط آبیدين روی نمونه‌ای از مادران سفیدپوست انجام شد. در این مطالعات، زیرمقیاس‌ها دارای همسانی درونی مناسبی بین ۰/۸۷ - ۰/۸۰ بودند و همبستگی بین نمره نهایی فرم‌های کوتاه و بلند در این نمونه‌ها بسیار بالا (۰/۹۴) گزارش شد (آبیدين، ۱۹۹۵). نتایج تحلیل عاملی پژوهش فدایی، دهقانی، طهماسیان و فرهادی (۱۳۸۹) نشان داد که مدل سه عاملی از برازش مطلوب برخوردار است. در پژوهش آن‌ها اعتبار نمره کل استرس والدین ۰/۹۰ و برای هر یک از زیرمقیاس‌های آشفته‌گی والدین، تعامل ناکارآمد والد-کودک و ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۴ و ۰/۸۰ است. همچنین ضریب اعتبار بازآزمایی در طول ۱۸ روز بعد از اجرای اول، برابر با ۰/۷۵ برای نمره کل استرس والدگری؛ ۰/۸۲ برای زیرمقیاس آشفته‌گی والدینی؛ ۰/۷۳ برای زیرمقیاس تعامل ناکارآمد والد-کودک و ۰/۷۱ برای زیرمقیاس ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین بود که این مقادیر همبستگی، بیانگر ثبات نمرات شاخص در طول زمان است. پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۷۱ بدست آمد.

۲. پرسشنامه طرد-پذیرش والدین ویژه کودکان (فرم مادر^۲). این پرسشنامه یک وسیله خودارزشیابی است که رونر (۲۰۰۷)، به نقل از یزدخواستی و قاسمی، (۱۳۸۹) به منظور ارزیابی ادراک افراد از طرد-پذیرش والدین‌شان ساخته است. این پرسشنامه شامل ۲۴ جمله است که ۱۴ جمله آن پذیرش مادر (مادرم به من توجه زیاد دارد) و ده جمله آن طرد مادر (مادرم من را دوست ندارد) را می‌سنجد و افراد ۸ تا ۱۸ سال آن را تکمیل می‌کنند. در این پرسشنامه پاسخ صحیح و غلط وجود ندارد و پاسخ‌دهندگان به این پرسشنامه، پاسخ‌های خود را روی یک مقیاس لیکرت تقریباً همیشه نادرست (۱) تا همیشه درست (۴) ثبت می‌کنند. این پرسشنامه برای سنجش دو عامل طرد و پذیرش والدین مورد استفاده قرار می‌گیرد و دستورالعمل آن به این صورت است که از جمع نمرات آیت‌های پرسشنامه به صورت معکوس و مستقیم نمره کل طرد و پذیرش والدین به دست می‌آید. یزدخواستی و قاسمی (۱۳۸۹) در پژوهشی با ۱۴۰ نفر آزمودنی برای پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده کرده‌اند که برابر ۰/۹۲ به دست آمده است و ضریب همسانی

1. Parenting Stress Index/ Short Form

2. Parental Acceptance- Rejection Questionnaire (mother form)

عامل‌های پرسشنامه مذکور را برای عامل طرد ۰/۹۱ و برای عامل پذیرش ۰/۸۸ گزارش کرده‌اند؛ پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۸۵ بدست آمد.

۳. تحلیل رفتار متقابل. خلاصه محتوای جلسات آموزشی تحلیل رفتار متقابل و پروتکل هشت جلسه‌ای مبتنی بر آن به‌وسیله ویدسئون (۲۰۱۵) تهیه شده است. برنامه مداخله‌ای مورد استفاده در این پژوهش بر اساس پژوهش گلشن، ضرغام حاجبی و صبحی قراملکی (۱۳۹۹) می‌باشد که در جدول یک ارائه شده است.

جدول ۱. محتوای جلسات آموزشی تحلیل رفتار متقابل

جلسه	هدف	محتوای جلسات
اول	معارفه و معرفی نظریه اریک‌برن	به معارفه و بیان موضوع جلسات آموزشی و معرفی نظریه اریک‌برن و حالت‌های نفسانی (والد، بالغ و کودک) پرداخته شد. سپس جملات ناتمامی راجع به چگونگی شیوه فکر کردن، بیان شد و از اعضا خواسته شد که آن‌ها را کامل کنند و راجع به تأثیر افکار منفی بر نگرش توضیح داده شد.
دوم	اجرا حالت‌های من و اصلاح شیوه فکر کردن	حالات «من» (والد، بالغ و کودک) اجرا شد. فرد ممکن است مانند یکی از والدین خود فکر کند، مانند یک کودک فکر و احساسی رفتار کند و یا مانند بالغ، منطقی رفتار کند. اعضا، نقش یک والد سرزنش‌گر و کودکی کج‌خلق و کم‌تحمل را به اجرا در آوردند و در آخر جلسه بازخورد گرفته و در مورد احساس‌شان سؤال شد.
سوم	آموزش ارتباط مکمل و متقاطع	چگونگی ارتباط مکمل و متقاطع و همچنین اشکالاتی که ارتباط متقاطع در روابط ایجاد می‌کند و باعث اختلاف می‌شود، توضیح داده شد. سپس از اعضا خواسته شد که این ارتباط‌ها را در کلاس به اجرا در آورند.
چهارم	آموزش انواع نوازش	انواع نوازش، نوازش‌های مثبت و منفی، شرطی و غیرشرطی، کلامی و غیرکلامی، بیرونی و درونی، مستقیم و غیرمستقیم، نوازش هدف‌دار و نوازش خویشتن، توضیح داده شد. از اعضا خواسته شد انواع نوازش را اجرا کنند.
پنجم	آموزش خودشناسی و سازماندهی زمان	در مورد خودشناسی توضیح داده شد که احساسات، باورها، افکار و رفتار ناکارآمد شناسایی و با روش‌های صحیح جایگزین شود و روش‌های شش‌گانه اریک‌برن برای سازماندهی زمان (اختصاص زمان برای تنهایی، رسم‌ها و مراسم، وقت‌گذرانی، مناسبت‌ها، بازی‌های روانی و صمیمیت) تشریح شد.
ششم	تحلیل نمایش‌نامه زندگی	تحلیل‌های نمایش‌نامه زندگی و نمایش‌نامه برنده، بازنده و غیربرنده توضیح داده شد. اریک‌برن افراد را انسان‌هایی

توصیف می‌کند که نقش آفرینان نمایش‌نامه‌ای هستند که نقش خود را در صحنه زندگی ایفا می‌کنند.

هفتم	تشریح مثلث نمایش و بازی‌های روانی	مثلث نمایش (قربانی، ناجی و آزاردهنده) توضیح داده شد. آزاردهنده ارزش دیگران را، نجات‌دهنده توانایی‌های آن‌ها را و قربانی خودش را نادیده می‌گیرد. معمولاً کسی که بازی روانی انجام می‌دهد با یکی از نقش‌ها شروع می‌کند و سپس به نقش دیگری تغییر موضع می‌دهد. از اعضا خواسته شد در مورد نقش‌ها و بازی‌های روانی که در مراحل مختلف زندگی داشته‌اند، صحبت کنند.
------	-----------------------------------	---

هشتم	ارزیابی و نتیجه‌گیری	خلاصه و نتیجه‌گیری مطالب مورد بحث در جلسات قبلی، بررسی تغییرات ایجاد شده، میزان دستیابی اعضا به اهداف خود و آن‌چه در گروه آموخته بودند، ارزیابی گردید.
------	----------------------	--

روش اجرا. جهت انجام این پژوهش، ابتدا هماهنگی‌های لازم با مدیران مدارس منطقه ۷، ۸، ۹ و ۱۰ تهران انجام شد. سپس با مراجعه به مدارس، افراد نمونه مورد مطالعه به شرحی که در بخش روش توضیح داده شد انتخاب شده و به صورت تصادفی در گروه‌های آزمایش و گواه قرار گرفتند. پس از انجام پیش‌آزمون، گروه آزمایش مداخله را در هشت جلسه دو ساعته دریافت کردند. همچنین در طی دو جلسه مهارت‌های آموخته شده به وسیله اعضای گروه آزمایش مرور و تمرین شد. پس از اتمام دوره آموزشی، بلافاصله برای هر دو گروه، پس‌آزمون‌های استرس‌والدگری و پذیرش‌والدینی اجرا گردید. داده‌های حاصل از پژوهش با نرم‌افزار SPSS-23 تجزیه و تحلیل شد. در ارتباط با رعایت ملاحظات اخلاقی پژوهش، پیش از شروع کار از شرکت‌کنندگان رضایت‌نامه کتبی دریافت شد و در خصوص نمرات آزمون‌ها و دیگر اطلاعات به‌دست آمده در حین پژوهش رازداری کامل اتخاذ شد. از عدم هرگونه درمان دیگر آزمودنی در طول دوره پژوهش اطمینان حاصل شد و در صورت عدم تمایل آزمودنی به ادامه حضور در جلسات، وی مختار به خروج از پژوهش بود. همچنین پس از اتمام پژوهش، برای گروه گواه نیز جلسات آموزشی ارائه شد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد سن کودکان تیزهوش پرخاشگر مورد مطالعه به ترتیب، ۱۰/۹۶ و ۱/۸۰ و میانگین و انحراف استاندارد سن مادران آن‌ها به ترتیب، ۳۵/۳ و ۶/۸۰ بود. مادران از نظر میزان تحصیلات، ۶۶/۴ درصد لیسانس و ۳۳/۶ درصد فوق لیسانس و بالاتر بودند. شاخص‌های توصیفی نمره‌های استرس‌والدگری و پذیرش‌والدینی در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد استرس والدگری و پذیرش والدینی در گروه‌های آزمایش و گواه در مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و مرحله پیگیری

متغیر	گروه	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پیگیری
		میانگین انحراف استاندارد	میانگین انحراف استاندارد	میانگین انحراف استاندارد
استرس	آزمایش	۹۱/۶۵	۲۰/۳۲	۷۸/۲۰
والدگری	گواه	۹۳/۵۵	۱۸/۶۵	۹۴
پذیرش	آزمایش	۷۴/۷۵	۱۱/۱۵	۸۲
والدینی	گواه	۷۶/۵۴	۱۰/۵۳	۷۵/۸۹

به منظور اجرای تحلیل کوواریانس ابتدا مفروضه‌های آن مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج یکسان بودن شیب خط رگرسیونی به عنوان پیش‌فرض تحلیل کوواریانس چندمتغیره نشان داد که مفروضه همگنی شیب خط رگرسیون رعایت شده است ($P < 0/05$). برای بررسی عدم وجود همخطی چندگانه، ماتریس همبستگی متغیرهای وابسته مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن نشان داد که مقادیر ضرایب همبستگی میان متغیرهای وابسته بالاتر از $0/9$ نیست، در نتیجه همخطی چندگانه میان متغیرها برقرار نیست که برای اجرای تحلیل واریانس چندمتغیری مطلوب است. نتایج آزمون لوین در متغیر استرس والدگری ($F=1/54$ و $P=0/196$) و پذیرش والدینی ($F=1/59$ و $P=0/245$) هم نشان دهنده عدم برابری واریانس خطا در گروه‌های پژوهش است. در نتیجه با توجه به برقراری مفروضه‌های اصلی آزمون تحلیل کوواریانس اجرای آن مانعی ندارد.

جدول ۳. تحلیل واریانس مختلط با اندازه‌گیری‌های مکرر در سه مرحله

منابع تغییرات	اجزاء	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	نسبت F	سطح معناداری	اندازه اثر
استرس	مراحل مداخله	۶۰/۳۵	۲	۳۰/۱۷	۲۴/۰۷	۰/۰۰۱	۰/۴۸
والدگری	مراحل × گروه	۵۲/۷۶	۲	۲۶/۳۸	۲۵/۲۱	۰/۰۰۱	۰/۴۹
	گروه	۴۳۶/۸۸	۱	۴۳۶/۸۸	۱۰/۳۳	۰/۰۰۲	۰/۲۹
پذیرش	مراحل مداخله	۳۴/۰۲	۲	۱۷/۰۱	۸/۹۰	۰/۰۰۲	۰/۲۴
والدینی	مراحل × گروه	۴۵/۲۸	۲	۲۲/۶۴	۱۱/۹۵	۰/۰۰۱	۰/۲۹
	گروه	۱۵۹۴/۳۱	۱	۱۵۹۴/۳۱	۳۴/۵۰	۰/۰۰۱	۰/۵۷

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که تعامل مراحل با گروه آزمایش در سه مرحله اندازه‌گیری در نمره استرس والدگری ($F=10/33$, $P=0/002$) با اندازه اثر $0/29$ و بر نمره پذیرش والدینی ($F=34/50$, $P=0/001$) با اندازه اثر $0/57$ مؤثر بوده است.

جدول ۴. نتایج آزمون تعقیبی بنفرونی در سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری

پس‌آزمون - پیگیری		پیش‌آزمون - پیگیری		پیش‌آزمون - پس‌آزمون		شاخص‌های آماری
تفاوت	سطح معناداری	تفاوت	سطح معناداری	تفاوت	سطح معناداری	
۰/۱۱	۰/۴۶	۰/۰۰۱	۱/۳۳	۰/۰۰۱	۱/۸۰	استرس والدگری
۱/۰۰	۰/۱۶	۰/۰۱۴	۱/۳۰	۰/۰۰۶	۱/۱۳	پذیرش والدینی

در جدول ۴ نتایج آزمون بنفرونی نشان می‌دهد تفاوت میانگین نمرات استرس والدگری ($P=0/001$) و پذیرش والدینی ($P=0/001$) بین مراحل پیش‌آزمون با پس‌آزمون و پیگیری معنادار است؛ اما تفاوت میانگین بین پس‌آزمون و پیگیری در هیچ‌یک از متغیرهای پژوهش معنادار نیست که بیانگر آن است که نتایج حاصل در مرحله پیگیری بازگشت نداشته و اثر مداخله پایدار بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر استرس والدگری مادران و پذیرش والدینی کودکان تیزهوش پرخاشگر انجام گرفت. نتایج نشان داد آموزش تحلیل رفتار متقابل بر کاهش استرس والدگری مادران و افزایش پذیرش والدینی کودکان تیزهوش پرخاشگر تأثیر داشته است. بر این اساس می‌توان گفت، یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های فرهنگی و آقامحمدیان شهرباف (۱۳۸۵)، مؤمنی (۱۳۸۶)، جوادی (۱۳۸۶)، سخاوت و عطاری (۱۳۹۰)، اکبری، پورشریفی، عظیمی، فهیمی و امیری پیچاکلابی (۱۳۹۱)، صدیقی، مک‌وند حسینی و قنبری هاشم آبادی (۱۳۹۵)، چن (۲۰۰۲)، رینالدی و هاوو (۲۰۱۲)، سیوکور (۲۰۱۲)، ویدسون (۲۰۱۴)، ترکمن، فرخزادیان، میری و پورابولی (۲۰۲۰) و سوندا (۲۰۱۸) در راستای اثربخشی مداخله تحلیل رفتار متقابل همسو است. یافته نخست پژوهش نشان داد، استرس والدگری مادران کودکان تیزهوش پرخاشگر در نتیجه آموزش تحلیل رفتار متقابل کاهش یافت. این یافته با نتایج پژوهش اکبری، پورشریفی، عظیمی، فهیمی و امیری پیچاکلابی (۱۳۹۱) و ویدسون (۲۰۱۴) مبنی بر بهبود اضطراب در اثر اجرای تحلیل رفتار متقابل همسو می‌باشد. در تبیین این یافته پژوهشی باید اظهار داشت آموزش تحلیل رفتار متقابل با کم‌رنگ کردن تعصبات، پیش‌داوری‌ها و تکانشگری مادران موجب کاهش تنیدگی و استرس آن‌ها می‌شود؛ زیرا «من بالغ» مادر تقویت و رشد پیدا می‌کند و ارزیابی موقعیت‌ها تحت تأثیر آموزش‌ها بهبود پیدا می‌کند. تقویت بالغ و ارزیابی دقیق‌تر و سنجیده‌تر موقعیتی که در آن فرزند، مشکلات رفتاری برونی‌شده مانند پرخاشگری را نشان می‌دهد باعث می‌شود تا مادر بتواند کنترل بیشتری بر رفتارهای خود داشته باشد و این بدان معنا است که بروز و تجربه استرس در مادر کاهش می‌یابد.

مادران مورد مطالعه در این پژوهش با شناخت حالت‌های من، به این آگاهی می‌رسند که در موقعیت‌های استرس‌زا، چگونه «حالت‌های من» در فرزند خود نمود پیدا می‌کند و یاد می‌گیرند با ایجاد یک رابطه صحیح، استرس خود را کنترل کنند، تعارضات و مسائل را حل کنند که موجب افزایش همبستگی و نزدیکی بین مادر و کودک می‌شود و باعث می‌شود که از خطای کودک چشم‌پوشی نکنند. در واقع با آگاهی از حالت‌های

من و فعل انفعالات موجود در رابطه، ارتباطات سازنده‌ای در محیط خانواده برقرار می‌شود که موجب تغییر وضعیت «تو خوب نیستی» می‌شود؛ وضعیتی که به خاطر خطای کودک به وجود آمده بود و وضعیت «من خوب هستم - تو خوب هستی» را در مادر ایجاد می‌کند که این عمل موجب کاهش تنیدگی و اضطراب مادر می‌شود. به این صورت که وقتی مادر از کودک رنجیده و ناراحت است این دیدگاه را پیدا می‌کند که «تو خوب نیستی» و حتی ممکن است به دلیل فعل و انفعالات ایجاد گرفته دیدگاه «من خوب نیستم» را در خود شکل دهد که این امر دلیلی بر افزایش اضطراب مادر می‌شود. حال وقتی مادران تحت آموزش قرار می‌گیرند و با مفاهیم تحلیل رفتار متقابل آشنا می‌شوند، سعی در تغییر این دیدگاه‌های شکل گرفته شده می‌کند.

با توجه به این که استرس والدگری، به صورت استرسی وابسته به نقش والدگری و در رابطه والد با کودک، از سوی والدین درک می‌شود، می‌تواند بر بهزیستی روان‌شناختی والدین و کودک، تأثیرگذار باشد (آبیدین، ۱۹۹۰). برخی از ویژگی‌های منفی والدگری مانند الگوهای والدگری نامناسب، به‌کارگیری روش‌های تربیتی سخت‌گیرانه، پایین بودن سطح روابط همدلانه دوسویه میان والدین و فرزندان و وجود مشکلات رفتاری مخصوصاً در یک کودک تیزهوش و سرآمد سبب افزایش استرس در والدین می‌شود (مک‌گوایر، ۲۰۰۰). مداخله تحلیل رفتار متقابل که از رویکرد روانکاوی برگرفته شده است، به شناخت فرد از خود و کنترل رفتار کمک می‌کند و فرد به سطحی از رشد شخصیت دست می‌یابد که می‌آموزد چگونه و از کدام بُعد شخصیت خود در موقعیت‌های مختلف استفاده کند و توانایی بیشتری برای حل مشکلات داشته باشد، به طوری که با تقویت بالغ، فرد می‌تواند به خوبی مسئله را حل کند و در حل مسائل بین‌فردی، موفق‌تر عمل نماید. با آموزش تحلیل رفتار متقابل به مادران در زمینه نوازش و راهکارهای نوازش می‌توان فضای توأم با امنیت روانی و همدلی متقابل با کودک ایجاد کرد و در مجموع توانمندی‌های عاطفی همچون همدلی، همدردی و خوب گوش دادن در مادران تقویت شود (گلوب و گورپرو، ۲۰۱۷).

هاماچک (۱۹۷۸) معتقد است والدین کمال‌گرا که استرس والدگری بیشتری را نسبت به سایر والدین تجربه می‌کنند، بیش از اندازه انتقاد می‌کنند و عیب‌جو هستند، سخت‌گیر هستند، عموماً کمتر از فرزندان‌شان پشتیبانی می‌کنند و رفتارهای آن‌ها ماهیتی سلطه‌گر دارد. این والدین در تحلیل رفتار متقابل، بی‌ثبات هستند. آموزش تحلیل رفتار متقابل به والدین سرزنش‌گر و بی‌ثبات کمک می‌کند تا با رشد بالغ و محاسبه‌گری، به جای کنترل‌گری منفی و سرزنش‌گری از ساختاردهی استفاده کنند. آموزش تحلیل رفتار متقابل ابزاری است که به مادران کمال‌گرای کودکان تیزهوش پرخاشگر کمک کرد تا هیجان‌های‌شان را کنترل و رابطه بالغانه را به جای انتقاد از فرزندان‌شان انتخاب کنند و با بررسی مجدد تفکر والدانه و کودکانه خود و با تصمیم‌گیری مجدد درباره پیام‌های پیش‌نویس شده خود، به رشد بالغ برسند. باید توجه داشت نظریه اریک‌برن بر سه اصل بنا شده است. ۱) تمامی انسان‌ها همان‌طور که هستند، ارزشمند و قابل احترام هستند و این صرفاً به خاطر وجود آن‌ها است. ۲) انسان‌ها اشتباه می‌کنند. ۳) انسان‌ها تغییر می‌کنند. در نتیجه آموزش تحلیل رفتار متقابل به این گروه از والدین، تمرکزشان را بر اشتباه و داشتن انتظارات غیرواقع‌بینانه تعدیل کرد و در نهایت منجر به کاهش استرس والدگری شد.

اریک‌برن معتقد است که انسان با روان سالم به داشتن هر سه حالت نفسانی نیاز دارد ولی باید بداند که آن‌ها را کجا و چگونه استفاده کند. آموزش تحلیل رفتار متقابل والدین را به مهارت‌های ارتباطی به‌خصوص انواع روابط مکمل مناسب مجهز کرد تا با تشخیص حالات خود و دیگران و به‌ویژه با توجه به نشانه‌های

کلامی و غیرکلامی، آن‌ها را با نحوه برقراری ارتباط مؤثر آشنا کرد. همچنین این مداخله، موضع زندگی «من خوبم- تو خوبی» را می‌آموزاند که فقط بر این اساس می‌توان نگرش صمیمانه‌ای نسبت به دیگران و در رابطه خود با دیگران داشت (سیوکور و پیروت، ۲۰۱۲). این نکته در مادرانی که کودک تیزهوش پرخاشگر دارند حائز اهمیت است چرا که به دلیل وجود پرخاشگری در کودک تیزهوش خود، معمولاً با فرزند خود ارتباط کمی برقرار می‌کنند که گاهی با احساس نارضایتی همراه است.

یافته دوم این پژوهش نشان داد مداخله تحلیل رفتار متقابل بر افزایش پذیرش والدینی کودکان تیزهوش پرخاشگر مؤثر بوده است. اگرچه در بررسی پیشینه، پژوهشی یافت نشد که به بررسی اثربخشی مداخله تحلیل رفتار متقابل بر پذیرش والدینی پرداخته باشد اما می‌توان گفت این یافته به صورت غیرمستقیم با پژوهش‌های مؤمنی (۱۳۸۶)، سخاوت و عطاری (۱۳۹۰)، چن (۲۰۰۲) مبنی بر اثربخشی مداخله تحلیل رفتار متقابل بر بهبود روابط والد- کودک همسو است. پذیرش والدینی یکی از عوامل ضروری و اساسی در ساختار روابط والد- کودک است. در نتیجه کاهش استرس والدگری و به تبع آن افزایش کیفیت رابطه والد- کودک، درک و پذیرش والدین به وسیله کودک نیز تقویت می‌گردد. والدین با برقراری رابطه‌ای سرشار از محبت، بدون قضاوت، غیرمشروط و اصیل باعث تقویت اعتمادبه‌نفس و خودکنترلی در کودک می‌شوند. کودکانی که از جانب والدین خود پذیرفته می‌شوند و نیازهای روان‌شناختی آن‌ها مانند عشق، حمایت و آسایش تأمین می‌شود، مشکلات رفتاری و هیجانی کمتری را نشان می‌دهند؛ بالعکس کودکانی که از طرف والدین خود طرد می‌شوند، مورد انتقاد، سرزنش، تهدید و تهاجم قرار می‌گیرند، مشکلات رفتاری و هیجانی بیشتری را بروز می‌دهند (ایلدیز و آیهان، ۲۰۲۰).

راجرز (۱۹۹۳) بیان می‌کند روابط همراه با پذیرش، حالت تدافعی کودک را کاهش می‌دهد و به کودک این امکان را می‌دهد که آزادانه احساسات خود را بروز دهد؛ و بدون ترس از مورد قضاوت واقع شدن رفتار کند. زمانی که کودک درمی‌یابد که صرف‌نظر از این که انتظارات والدین را برآورده کرده است یا خیر، مورد پذیرش والدین است، نسبت به ارزش خود دلگرم می‌شود و می‌تواند آزادانه احساسات، افکار و نیازهای خویش را ابراز کند. سلامت، زمانی و الهیاری (۱۳۸۶) و حیات‌بخش، شفیق‌آبادی و ثنایی‌ذاکر (۱۳۸۹) نشان دادند که مداخله تحلیل رفتار متقابل تعارضات بین افراد را کاهش داده و موجب افزایش همبستگی بین آن‌ها می‌شود. تحلیل رفتار متقابل با آموزش چگونگی تحلیل روابط، به خصوص انواع روابط مکمل، متقاطع و نهفته، مادران را با نحوه برقراری ارتباط مؤثر آشنا می‌کند. به عبارتی افراد را به مهارت‌های ارتباطی مناسب مجهز می‌کند تا با تشخیص حالات من خود و دیگران (کودک، والد و بالغ) به‌ویژه با توجه به سرنخ‌های کلامی و غیرکلامی، بتوانند ارتباط مناسب مکملی برقرار کنند. به علاوه با آموزش تکنیک‌های پس‌راندن والد طرف مقابل، فرد را قادر می‌سازد در موقعیت‌های احتمالی تعارض‌زا با نظارت بالغ خود، موقعیت را اداره کرده و بتواند شرایط را برای برقراری روابط سازنده فراهم کند (کازمی، نشاط‌دوست، کجیاب، عابدی، آقامحمدی و صادقی، ۱۳۹۱).

مداخله تحلیل رفتار متقابل به مادران مورد مطالعه در این پژوهش کمک کرد تا با تمرکز بر نوع رابطه، تأکید بر رفتار بالغانه و پرهیز از تحکم افراطی والدانه، درک متقابل و پرهیز از هرگونه خودمحوری یک ارتباط مناسب و بالغانه با کودک خود برقرار کنند. این ارتباط مناسب، می‌تواند همه اعضای خانواده را در وضعیت

«من خوب هستم، شما هم خوب هستید» قرار دهد و موجب تقویت احساس پذیرش والدین در کودک شود. مادران کمال‌گرایی که که از مشاجره درونی «والد-کودک» خود آزاد هستند و از احساس «من خوب نیستم» خود رها شده‌اند، می‌توانند مادرانی گرم و نوازش‌دهنده باشند. لذا رویکرد تحلیل رفتار متقابل که روش‌های ساده و قابل فهمی را برای برقراری ارتباط صحیح بین والد و کودک ارائه می‌دهد، با روش‌های درست و منطقی و براساس واقعیت‌های حالت «بالغ» چارچوب‌های مبتنی بر فرزندپروری کارآمد و بدون استرس را تنظیم می‌کند، به گونه‌ای که به حفظ حرمت کودک منجر می‌شود (سیوکور و پیروت، ۲۰۱۲).

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که آموزش تحلیل رفتار متقابل با پیروی از اهداف خود موجب کاهش استرس والدگری و افزایش پذیرش والدینی کودکان تیزهوش پرخاشگر شد. محتمل است که به تبع افزایش پذیرش والدینی، میزان رفتارهای پرخاشگرانه در این کودکان نیز کاهش یابد. همه این دلایل تأییدی است بر انجام پژوهش‌های متعدد در رابطه با درمان و آموزش خانواده‌ها و خصوصاً والدین کودکان تیزهوش؛ بنابراین در فرآیند آموزش و درمان کودکان تیزهوش باید آموزش والدین آن‌ها را هم مورد توجه قرار داد چرا که این امر نتایج بهتری را در جهت پرورش استعداد این گروه از کودکان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی کشور، فراهم می‌نماید.

قابل ذکر است که این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است. این پژوهش روی مادران کودکان پسر تیزهوش پرخاشگر در شهر تهران انجام شده است، لذا با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، در تعمیم یافته‌ها احتیاط شود. همچنین عدم پیگیری نتایج پس از مداخله، سنجش متغیرهای پژوهش بر اساس پاسخ‌گویی والدین و عدم مقایسه مداخله فعلی با سایر مداخلات از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌باشد. بر اساس محدودیت‌ها پیشنهاد می‌شود این پژوهش بر روی کودکان دختر تیزهوش پرخاشگر و مادران‌شان انجام و نتایج آن با نتایج با پژوهش حاضر مقایسه شود. این پژوهش لزوم توجه به استفاده از آموزش تحلیل رفتار متقابل را در مراکز بهزیستی و کلینیک‌ها جهت بهبود وضعیت روان‌شناختی مراجعان نشان می‌دهد.

موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند و به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند.

سپاسگزاری

از همه شرکت‌کنندگان در پژوهش که در انجام این پژوهش ما را یاری کردند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول و دوم، محققان اصلی پژوهش هستند و نویسنده سوم، راهنمایی و جهت‌دهی پژوهش حاضر را بر عهده داشته‌اند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- اکبری، ابراهیم، پورشریفی، حمید، عظیمی، زینب، فهیمی، صمد، و امیری پیچاکلابی، احمد. (۱۳۹۱). اثربخشی گروه درمانی تحلیل رفتار متقابل بر افزایش رضایتمندی، سازگاری، احساسات مثبت، و صمیمیت زوج‌های دارای تجربه طلاق عاطفی. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲(۴): ۴۵۵-۴۸۵.
- جوادی، بهرام. (۱۳۸۶). *اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل روی مادران دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در بهبود عملکرد خانواده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.
- حیات‌بخش، سحر، شغیع‌آبادی، عبدالله، و ثنایی ذاکر، باقر. (۱۳۸۹). اثربخشی مشاوره گروهی به شیوه تحلیل ارتباط محاوره‌ای بر کاهش تعارضات زناشویی زنان. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۱(۴): ۵۹-۶۹.
- خدابخشی، مریم، فتح‌اله‌زاده، نوشین، دربانی، سیدعلی، و رستمی، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر صمیمیت اجتماعی و سازگاری دانشجویان خوابگاهی. *فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی*، ۵(۱۴): ۳۱-۹.
- سناخوت، سعیده، و عطاری، یوسف‌علی. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی آموزش رویکرد تحلیل ارتباط محاوره‌ای بر بهبود روابط مادر-فرزند در پسران مقطع راهنمایی شهرستان دزفول. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۱۳: ۳۷-۵۴.
- سلامت، مانده، زمانی، احمدرضا، و الهیاری، طلعت. (۱۳۸۶). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی با استفاده از روش تحلیل رفتار متقابل بر کاهش تعارضات زناشویی. *روان‌شناسی کاربردی*، ۱(۳): ۲۹-۴۲.
- صدیقی، سعیده، مکوند حسینی، شاهرخ، و قنبری هاشم‌آبادی، بهرام‌علی. (۱۳۹۵). اثربخشی گروه درمانی تحلیل رفتار متقابل بر بهبود الگوهای ارتباطی زوجین. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۷(۳): ۳۶-۴۴.
- فدایی، زهرا، دهقانی، محسن، طهماسبیان، کارینه، و فرهادی، فاطمه. (۱۳۸۹). بررسی ساختار عاملی اعتبار و روایی فرم کوتاه شاخص استری فرزندپروری (PSI/SF) مادران کودکان عادی ۷-۱۲ سال. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۸(۲): ۸۳-۹۳.
- فرهنگی، فرهنگ و آقامحمدیان شعرباف، حمیدرضا. (۱۳۸۵). تأثیر روان‌درمانگری گروهی با رویکرد تحلیل رفتار متقابل بر شیوه‌های رویارویی با استرس نوجوانان. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۷(۲): ۴۱-۶۲.
- کاظمی، زینب، نشاط‌دوست، حمیدطاهر، کجباف، محمدباقر، عابدی، احمد، آقامحمدی، سمیه و صادقی، سعید. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر صمیمیت اجتماعی دختران فراری. *مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان*، ۱۰(۳): ۱۶۲-۱۳۹.
- گلشن، اندیشه، ضرغام حاجبی، مجید، و صبحی قراملکی، ناصر. (۱۳۹۹). تأثیر آموزش تحلیل رفتار متقابل بر نگرش صمیمانه، عزت‌نفس و افسردگی زنان معلول جسمی- حرکتی. *روانشناسی سلامت*، ۴(۳۶): ۲۵-۴۴.
- مصطفوی، سعیده سادات، شعیری، محمدرضا، اصغری مقدم، محمدعلی، و محمودی قرایی، جوادی. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش بازی درمانی مبتنی بر رابطه درمانی والد-کودک مطابق با الگوی لندرت به مادران بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان. *دانشور رفتار*، ۱۹(۷): ۳۳-۴۲.

مؤمنی، مریم. (۱۳۸۶). اثربخشی گروهی مادران با رویکرد تحلیل ارتباط محاوره‌ای بر بهبود رابطه والد-فرزندی دانش‌آموزان دختر متوسطه شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

یزدخواستی، فریبا، و قاسمی، سحر. (۱۳۸۹). رابطه بین شخصیت والدین و طرد و پذیرش کودکان از طرف آن‌ها. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۷(۱۲): ۱۴۴-۱۳۱.

References

- Abidin, R. R. (1995). *The parenting stress index professional manual*. Lutz, FL: Psychological Assessment Resources.
- Abidin, R.R. (1990). Introduction to the special issue: The stresses of parenting. *Journal of Clinical Child Psychology*, 19(4), 298-301.
- Carmo, C., Oliveira, D., Bras, M., & Faisca, L. (2021). The Influence of Parental Perfectionism and Parenting Styles on Child Perfectionism. *Children*, 8(9):777. <https://doi.org/10.3390/children8090777>
- Chen, Ya- Chin. (2002). *The effect of transactional analysis parenting group in the parent-child communication and the parenting style with mothers of elementary school student*. Master's Thesis, Chinese.
- Ciucur, D. (2013). A Transactional Analysis Group Psychotherapy Program for Improving the Qualities and Abilities of Future Psychologists. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 78, 576-580.
- Ciucur, D., Pirvut, A. F. (2012). The effects of a transactional analysis training programe on team leadership factors in automotive industry. *Social and Behavioral Sciences*, 33, 667-671.
- De Stasio, S., Coletti, M. F., Boldrini, F., Bevilacqua, F., Dotta, A., & Gentile, S. (2018). Parenting stress in mothers of infants with congenital heart disease and of preterm infants at one year of age. *Clinical Neuropsychiatry: Journal of Treatment Evaluation*, 15(1), 3-11.
- Doh, H. S., Shin, N., Kim, M. J., Hong, J.S., Choi, M. K., & Kim, S. (2012). Influence of marital conflict on young children's aggressive behavior in South Korea: The mediating role of child maltreatment. *Children and Youth Services Review*, 34(9), 1742-1748.
- Ghossoub, E., Cherro, M., Akil, C., & Gharzeddine, Y. (2021). Mental illness and the risk of self- and other- directed aggression: Results from the national survey on drug use and health. *Journal of Psychiatric Research*, 132, 161-166.
- Golfenshtein, N., Hanlon, A. L., Deatrck, J. A., & Medoff-Cooper, B. (2017). Parenting stress in parents of infants with congenital heart disease and parents of healthy infants: the first year of life. *Comprehensive Child and Adolescent Nursing*, 40(4), 294-314.
- Golub, S., & Guerriero, L. (2017). The Effects of a Transactional Analysis Training Program on Self-Esteem in Learning-Disabled Boys. *Transactional Analysis Journal*, 11(3), 244-246.
- Gulay, H. & Onder, A, (2011). Comparing parental acceptance: the rejection levels and peer relationship of Turkish preschool children. *Procedia social and behavior sciences*. 15, 1818-1823.
- Hamachek, D. E. (1978). Psychodynamics of normal and neurotic perfectionism. *Psychology*, 15, 27-33.
- Harper, A., Taylor Dyches, T., Harper, J., Olsen Roper, S., & South, M. (2013). Respite care, marital quality, and stress in parents of children with autism spectrum disorders. *Journal of autism and developmental disorders*, 43(11), 2604-2616. <https://doi.org/10.1007/s10803-013-1812-0>.

- Hilpl, K. A. (2001). Facilitating healthy parenting attitudes behaviors among adolescents using filial therapy in high school curriculum. A thesis Doctor of Philosophy. University of North Texas.
- Hintermai, M. (2019). Parental resources, parental stress and socioemotional development of deaf and hard of hearing children. *Journal of Deaf Studies and Deaf Education*, 11(4), 493-513.
- Ildiz, G.I., & Ayhan, A. B. (2020). A study of predictive role of parental acceptance rejection perceived by children on secure attachment level. *Current Psychology*. <https://doi.org/10.1007/s12144-020-00897-9>
- Maughan, D. R., Christiansen, E., Jenson, W. R., Olympia, D., & Clark, E. (2005). Behavioral parent training as a treatment for externalizing behaviors and disruptive behavior disorders: a meta-analysis. *School Psychology Review*, 34(3), 267–286.
- McGuire, D. E. (2000). *Child-centered play therapy with children experiencing adjustment difficult*. Doctoral dissertation, University of Texas.
- Moses, A. (2012). Child parent relationship therapy for parent of children with disruptive behavior. A thesis Doctor of Philosophy. Western Michigan University
- Oh, J., & An, J. (2019). Depressive symptoms, emotional aggression, school adjustment, and mobile phone dependency among adolescents with allergic diseases in South Korea. *Journal of Pediatric Nursing*, 47, 24-29.
- Papadopoulos, D. (2021). Parenting the Exceptional Social-Emotional Needs of Gifted and Talented Children: What Do We Know? *Children*, 8, 953. <https://doi.org/10.3390/children8110953>
- Parvin, S.Z.R., Erfan Ahmed, K., & Hossain, M. (2019). Psychotherapy services based on transactional analysis played an important role in the case of depression. *Women's Health and Complications*, 2(1), 1-5.
- Peairs, K. F., Putallaz, M., & Costanzo, P. R. (2019). From A (aggression) to V (victimization): Peer status and adjustment among academically gifted students in early adolescence. *Gifted Children Quarterly*, 63(3), 185-200.
- Rinaldi, C. M. & Howe, N. (2012). Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. *Early Childhood Research Quarterly*, 27, 266 - 273.
- Rogers, A. Y. (1993). The assessment of variables related to the parenting behavior of mothers with young children. *Children and Youth Services Review*, 15, 385-402.
- Sundah, J.A. (2018) The Effectiveness of Transactional Analysis Counseling to Increase Self Esteem. *International Journal of Scientific Research and Management*, 6(4), 266-273.
- Torkaman, M., Farokhzadian, J., Miri, S., & Pouraboli, B. (2020). The effect of transactional analysis on the self-esteem of imprisoned women: a clinical trial. *BMC psychology*, 8(1), 3. <https://doi.org/10.1186/s40359-019-0369-x>
- Widdowson, M. (2015). *Transactional analysis for depression: A step-by-step treatment*. England: Routledge publication.
- Widdowson, M. D. J. (2014). Transactional analysis psychotherapy for a case of mixed anxiety & depression: A pragmatic adjudicated case study– 'Alastair'. *International Journal of Transactional Analysis Research*, 5(2), 66-76.

پرسشنامه استرس والدگری آبدین

ردیف	عبارت	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم
۱	اغلب احساس می‌کنم که نمی‌توانم کارها را به خوبی انجام دهم.	۵	۴	۳	۲	۱
۲	هرگز انتظار نداشتم که بخش عمده‌ای از زندگی‌م را برای رفع احتیاجات فرزندم مصرف کنم.	۵	۴	۳	۲	۱
۳	احساس می‌کنم که مسئولیتهای من به عنوان والد مرا در دام خود اسیر کرده	۵	۴	۳	۲	۱
۴	از وقتی این بچه به دنیا آمده دیگر نتوانستیم کارهای جدید و ماوی انجام دهیم	۵	۴	۳	۲	۱
۵	از وقتی که بچه دار شده‌ام، احساس می‌کنم که هرگز نتوانسته‌ام کارهای مورد علاقه‌ام را انجام بدهم.	۵	۴	۳	۲	۱
۶	در مورد آخرین لباسی که برای خودم خریده‌ام، حساس ناراحتی می‌کنم.	۵	۴	۳	۲	۱
۷	چیزهای بسیار زیادی در مورد زندگی‌ام مرا نگران می‌کنند.	۵	۴	۳	۲	۱
۸	بچه دار شدن، بیش از حد انتظار، مشکلاتی را در روابط با همسر ایجاد کرده است.	۵	۴	۳	۲	۱
۹	من احساس می‌کنم تنها و بدون دوست هستم	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	وقتی به میهمانی می‌روم معمولاً انتظار ندارم که به من خوش بگذرد.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۱	رغبت و توجه من نسبت به دیگران مانند گذشته نیست.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۲	چیزها برایم مانند گذشته لذت بخش نیست.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۳	فرزندم کمتر کارهایی را انجام می‌دهد که بتواند مرا خوشحال کند.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۴	گاهی احساس می‌کنم که فرزندم دوست ندارد و دلش نمی‌خواهد که پیش من باشد.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۵	گشاده رویی فرزندم نسبت به من کمتر از آن است که انتظار دارم.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۶	وقتی کارهایی را برای فرزندم انجام می‌دهم احساس می‌کنم که ارزش زیادی برای آنها قائل نیست.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۷	وقتی فرزندم بازی می‌کند، اغلب الیخند نمی‌زند و یا نمی‌خندد.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۸	به نظر نمی‌رسد فرزندم بتواند با همان سرقتی یاد بگیرد که بیشتر بچه‌های دیگر یاد می‌گیرند.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۹	به نظر نیم‌رسد فرزندم به اندازه بچه‌های دیگر بخندد	۵	۴	۳	۲	۱
۲۰	توانایی فرزندم در حد انتظار من نیست	۵	۴	۳	۲	۱
۲۱	برای فرزندم بسیار سخت است و مدت‌ها طول میکشد تا به چیزهای جدید عادت کند	۵	۴	۳	۲	۱
۲۲	من انتظار داشتم که احساساتم نسبت به فرزندم گرم و صمیمی‌تر از احساس کنونی‌ام باشد و این مسأله مرا ناراحت می‌کند.	۵	۴	۳	۲	۱
۲۳	گاهی فرزندم برای این که مرا آزار دهد کارهای ناراحت‌کننده‌ای می‌کند.	۵	۴	۳	۲	۱
۲۴	به نظر می‌رسد که ناراحتی و گریه فرزند من از اغلب بچه‌های دیگر بیشتر است	۵	۴	۳	۲	۱
۲۵	وقتی فرزندم از خواب بیدار می‌شود، معمولاً بد خلق است	۵	۴	۳	۲	۱
۲۶	احساس می‌کنم که فرزندم بسیار دمدمی است و به آسانی برانگیخته می‌شود.	۵	۴	۳	۲	۱
۲۷	تعداد بسیار کمی از کارهای فرزندم مرا ناراحت می‌کند.	۵	۴	۳	۲	۱
۲۸	فرزندم وقتی چیزی اتفاق می‌افتد که دوست ندارد، عکس‌العمل شدیدی از خود نشان می‌دهد.	۵	۴	۳	۲	۱
۲۹	فرزندم به آسانی در برابر کوچک‌ترین چیزها برافروخته می‌شود.	۵	۴	۳	۲	۱

۳۰	تنظیم برنامه خواب و غذای فرزندم سخت تر از آنی بود که انتظار داشتم.	۵	۴	۳	۲	۱
۳۱	بعضی از کارهای فرزندم به شدت مرا ناراحت می کند	۵	۴	۳	۲	۱
۳۲	مسائل مربوط به فرزندم بیشتر از آن هستند که انتظار داشتم	۵	۴	۳	۲	۱
۳۳	خواسته های فرزندم بیشتر از اغلب بچه های دیگر است	۵	۴	۳	۲	۱
ردیف	عبارت	یک والد خوب نیستم	یک والد متوسط هستم	یک والد متوسط هستم	بهبتر از یک والد متوسط	یک والد بسیار خوب هستم
۳۴	احساس می کنم که من	۵	۴	۳	۲	۱
ردیف	عبارت	بسیار سخت تر از حد انتظار من است	بسیار سخت تر از حد انتظار من است	تقریباً به اندازه انتظار من است	کمی آسانتر از حد انتظار من است	بسیار آسان تر از حد انتظار من است
۳۵	به این نتیجه رسیده ام که وادار کردن فرزندم به انجام کاری یا منع کردن از انجام کاری بسیار سخت تر از حد انتظار است	۵	۴	۳	۲	۱
ردیف	عبارت	۱۰ و بیشتر	۸ تا ۹	۶ تا ۷	۴ تا ۵	۱ تا ۳
۳۶	با دقت فکر کنید و تعداد کارهایی را که فرزندتان انجام می دهد و باعث ناراحتی شم می گردد مشخص کنید؛ مثلاً اتلاف وقت، گوش ندادن به حرف، فزون کنشی، گریه کردن، ایجاد مزاحمت، دعوا، نق و غیره. خواهش میکنیم در کادر نمره ای که شامل تعداد مواردی است که شمرده اید علامت بزنید	۵	۴	۳	۲	۱

پرسشنامه طرد- پذیرش والدین ویژه کودکان

تقریباً همیشه نادرست	گاهی نادرست	گاهی درست	تقریباً همیشه درست
۱	۲	۳	۴
۱	۲	۳	۴
۱	۲	۳	۴
۱	۲	۳	۴
۱	۲	۳	۴
۱	۲	۳	۴
۱	۲	۳	۴

۱- مادرم چیزهای خوبی درباره من می گوید.

۲- مادرم مرا دوست ندارد.

۳- مادرم درباره کارها با من مشورت می کند و به آنچه می گویم گوش می دهد.

۴- مادرم مرا تشویق می کند که دوستانم را به خانه بیاورم و سعی می کند همه چیز برای آن ها خوشایند باشد.

۵- مادرم وقتی عصبانی است سر من داد می زند.

۶- مادرم به من کمک می کند که حرف های که گفتنش برای من مشکل است را به راحتی بیان کنم.

۴	۳	۲	۱	۷- مادرم باعث می شود زمانی که کارهای خوبی انجام می دهم به خود افتخار می کنم.
۴	۳	۲	۱	۸- مادرم مرا به عنوان مزاحم بزرگ می بیند.
۴	۳	۲	۱	۹- مادرم مرا در برابر دیگران تشویق می کند.
۴	۳	۲	۱	۱۰- مادرم خیلی گرم و دوست داشتنی با من صحبت می کند.
۴	۳	۲	۱	۱۱- به نظر می رسد که مادرم از من متنفر است.
۴	۳	۲	۱	۱۲- مادرم وقتی کارهای درستی را انجام می دهم مرا تشویق می کند.
۴	۳	۲	۱	۱۳- مادرم به کارهایی که انجام می دهم علاقه نشان می دهد.
۴	۳	۲	۱	۱۴- مادرم اگر مشکلی پیش بیاید مرا مقصر می داند.
۴	۳	۲	۱	۱۵- مادرم مرا نیازمند کمک می داند.
۴	۳	۲	۱	۱۶- مادرم وقتی کار خوبی انجام می دهم به من افتخار می کند.
۴	۳	۲	۱	۱۷- وقتی بد رفتاری می کنم مادرم باعث می شود که احساس کنم دیگر کسی مرا دوست ندارد.
۴	۳	۲	۱	۱۸- مادرم این احساس را به من منتقل می کند که آنچه انجام می دهم مهم است.
۴	۳	۲	۱	۱۹- مادرم سعی می کند که وقتی من وحشت زده یا ناراحتم به من کمک کند.
۴	۳	۲	۱	۲۰- مادرم درباره من شکایت می کند.
۴	۳	۲	۱	۲۱- مادرم به افکار من اهمیت می دهد و دوست دارد درباره ی آن ها صحبت کنم.
۴	۳	۲	۱	۲۲- مادرم به من می فهماند که من فرزند ناخواسته بودم.
۴	۳	۲	۱	۲۳- مادرم به من می گوید چقدر او شرمنده است وقتی که من کار بدی انجام می دهم.
۴	۳	۲	۱	۲۴- مادرم وقتی که من بد رفتاری می کنم مرا شرمنده کرده و باعث می شود که احساس گناه کنم.

The Efficacy of Transactional Analysis Training on Mother's Parenting Stress and Parental Acceptance of Aggressive Gifted Children

Sara. Nejatifar¹, Ali. Aghaziarati*² & Ahmad. Abedi²

Abstract

Aim: The present study was conducted to investigate the effectiveness transactional analysis training on parenting stress of mothers and parental acceptance of aggressive gifted children. **Methods:** The present study was quasi-experimental with pre-test, post-test, and a control group. The statistical population of this study included aggressive gifted boys aged 8-12 years in Tehran in 2021. Thirty children were selected by purposive non-random sampling and their mothers assigned into experimental (n =15) and control (n =15) groups. The experimental group received transactional analysis intervention in eight 120- minute sessions. The data were collected by the Parenting Stress (Abidin 1990) and the parental acceptance- rejection questionnaire (Rohner 2007). Data were analyzed using repeated measures variance. **Results:** The results showed that the transactional analysis had an effect on reducing maternal parenting stress and increasing parental acceptance of aggressive gifted children. Also, the results of analysis of covariance showed that the effect of interaction behavior analysis training on parenting stress ($F=10.33$) and parental acceptance ($F=34.50$) was significant ($P<0.05$). **Conclusion:** According to the findings of this study, it can be stated that transactional analysis training by recognizing existential values and improving interpersonal communication leads to reducing parenting stress and increasing parental acceptance of gifted aggressive children.

Keywords: Transactional Analysis, Parenting Stress, Parental Acceptance, Gifted Aggressive Children

1. *Corresponding Author: Department of Psychology and Education of People with Special Needs, University of Isfahan, Iran
ali_ziarati99@yahoo.com

2. Department of Psychology and Education of People with Special Needs, University of Isfahan, Iran